

ادراک کودک از محیط

نویسنده گان : ندا مظفری¹، کوروش عطاریان²، الهه مظفری³

۱-دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، معماري، بوشهر، ایران، Neda.mozaffari85@yahoo.com

۲- هیئت علمی دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول attariank@yahoo.com

۳- دانش آموخته کارشناسی مامائی دانشگاه علوم پزشکی بابل Elahemozafari203@yahoo.com

چکیده:

یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار در بروز رفتارهای کودکان پس از عامل ذاتی و درونی، محیط و عوامل محیطی می باشد. اهمیت تاثیر محیط به اندازه ای است که می تواند از یک فرد عادی یک شخصیت ممتاز و استثنای بسازد. پیاژه در سالهای ۱۹۲۰ به این نتیجه رسید که کودکان در مقایسه با بزرگسالان جهان را به طور دیگری می بینند. کودکان محیط پیرامون خود را تغییر می دهند تا وضعیت خودشان را بهبود بخشند بنابراین از طریق بررسی نقاشی کودکان و مصاحبه با آنها می توان به افکار آنان پی برد و تلاش در خلق محیطی کرد که موجب رشد و تعالی کودکان شود. موضوع مورد مطالعه در این پژوهش، «ادراک کودک از محیط» می باشد. و روش تحقیق توصیفی تحلیلی و بررسی آن اسنادی، مشاهده و استفاده از تکنیک نقاشی کردن توسط کودکان می باشد.

واژه های کلیدی: کودک، ادراک، محیط، روانشناسی

مقدمه:

کودک موجودی است که استمرار بخش حیات بشر محسوب می شود و چنانچه محیطی سالم برای رشد او مهیا نباشد آینده خوبی را به همراه نخواهد داشت .

دوران کودکی در شکل گیری شخصیت آنها در آینده تاثیر زیادی دارد . از این رو بایستی به نیازها و حقوق کودکان توجه شود . انسانها در دوران کودکی انعطاف پذیری بیشتری نسبت به بزرگسالی دارند و می توان آنها را در مسیر مورد نظر رهنمون ساخت . بنابراین اگر در یک محیط مطلوب قرار گیرند آینده بهتری خواهند داشت ولی اگر محیط برای او نامناسب باشد به آلودگیها جذب می شوند. متأسفانه امروزه برای طراحی محیط به نظر کودکان توجهی نمی شود و این محیط ها برای کودکان مشکل ساز خواهد بود . بنابراین بررسی ادراک کودک از محیط جهت خلق فضاهای مناسب برای رشد و پرورش بهینه کودکان ضروری می باشد .

۱. مبانی نظری

«در سال ۱۹۸۹ میلادی ، نمایندگان کشورهای جهان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد ، پیمان حقوق کودک را تأیید و امضا کردند و متعهد شدند تا برای تصویب و اجرای آن در کشورهای خود تلاش کنند. این عهدنامه که به نام «کنوانسیون حقوق کودک » معروف است ، همه دولتها و مردم جهان را به ساختن دنیایی بهتر برای کودکان تشویق می کنند که در تاریخ اول اسفندماه ۱۳۷۲ ، مجلس شورای اسلامی نیز ، ملحق شدن جمهوری اسلامی ایران به این عهدنامه بین المللی را تصویب کرد. این پیمان نامه نوع نگاه به کودکان و روش رفتار با آنان را در سراسر جهان تغییر داده است »^[۱] (سعیدی رضوانی ، دانش پور، ۱۳۸۹، ۳۳) . در این پژوهش سعی بر آن می شود که با شناخت ادراک کودکان از محیط ، محیطی سالم برای آنها مهیا شود به طوری که تامین کننده نیازهای آنان به نحو مطلوب باشد .

«در طی دوره ی کودکی اولیه با سالهای پیش دبستانی (از ۳ تا ۵ سالگی)، کودکان به رشد سریع جسمی، شناختی و زبانی ادامه می دهند و بهتر می توانند از خود مراقبت کنند. رفته رفته مفهوم خود، هویت جنسی و نقش جنسی در آنان پدیدار می شود و به بازی با کودکان دیگر علاقمند می شوند. کیفیت روابط والد- کودک در فرایند در شرف تکوین اجتماعی شدن کودک اهمیت پیدا می کند. در طی میانه (۶ تا ۱۱ سالگی)، کودکان در توانش خواندن، نوشتن، حساب کردن و درک دنیای خود و تفکر منطقی پیشرفت قابل ملاحظه ای می کنند. پیشرفت و سازگاری موفق با والدین اهمیتی زاید الوصف پیدا می کند. رشد روانی - اجتماعی و رشد اخلاقی، با سرعتی قابل توجه پیشرفت می کند. و کیفیت روابط خانوادگی همچنان به تاثیر بر سازگاری هیجانی و اجتماعی ادامه می دهد

۲. دورنمای تاریخی

۱-۲. کودکان به مثابه ماکت کوچکی از بزرگسالان

در قرون وسطی، و حتی تا چند صد سال پس از آن، دوره ی کودکی را مرحله ی جداگانه ای از حیات به شمار نمی آوردند، کودکان فقط حق استفاده از چند سال کوتاه وابستگی را داشتند و پس از آن باید به بزرگسالانی کوچک تبدیل می شدند، به محض آن که کودکان از قنடاق (که به دور بدن آنها پیچیده می شد) در می آمدند، آنها را به شکل مردان و زنان کوچک لباس می پوشانند و آنها نیز چون بزرگسالان بازی می کردند، می نوشیدند یا در کنار آنان به کار در مزارع و مغازه ها می پرداختند. کودکان ممکن بود ازدواج کنند، تاجگذاری کنند، یا چون جانیان به دار آویخته شوند. قوانین قرون وسطی بین جنایات دوران کودکی و بزرگسالی هیچ تمایزی قایل نمی شد.



شکل ۱- کودکان شاغل، منبع: ندا مظفری

۲-۲. کودکان به مثابه باری سنگین

قبل از معرفی روش های مدرن کنترل مولید، بسیاری از کودکان پا به جهان می گذاشتند بدون آنکه واقعا کسی آنها را بخواهد آنها را بیشتر باری سنگین می پنداشتند. در قرون وسطی کودکان را به عنوان کارآموز نزد کشاورزان و کسبه می فرستادند. با آغاز انقلاب صنعتی در قرن هجدهم، کودکان در کارگاههای نساجی، معادن و صنایع دیگر ۱۲ ساعت در روز و ۶ روز در هفته کار می کردند.

نخستین قوانین کار کودک در انگلستان در سال ۱۸۳۲ به تصویب رسید. ده سال بعد، قوانین نحوه ی استفاده از کار کودکان در معادن تصویب شد. ولی در هر حال، استفاده گسترده از نیروی کار کودکان در کشورهای خارج، از جمله ایالات متحده آمریکا ادامه داشت. نخستین قوانین واقعی در مورد نحوه ی استفاده از کار کودکان در قرن بیستم به تصویب رسید بر اساس این قوانین سواد آموزی کودکان الزامی شد و والدینی که به آزار کودکان می پرداختند تحت پیگرد قانونی قرار می گرفتند. رفته رفته، انجمن های پیشگیری از اعمال خشونت بر علیه کودکان، انجمن های حمایت از کودکان و برنامه های اجتماعی مختلف برای پیشبرد رفاه کودکان راه اندازی شدند. علاوه بر آن، ماشین رفته رفته جایگزین انسان شد.

۳. رشد درکی

۳-۱. درک عمق

توانایی رویت سه بعدی اشیاء - تمایز اشیایی که نزدیکترند از آنهایی که دورترند - از همان اوایل شیر خواری در کودک ایجاد می شود. شیرخواران خردسال، حتی ۶ هفته ای، وقتی شیئی به چهره آنان نزدیک می شود پلک می زنند یا واکنش های اجتنابی دیگر را نشان می دهند ولی در هر حال، حدود ۴ ماه طول می کشد تا دید دو چشمی به طور کامل ایجاد شود. شیرخواران پنج ماهه برای گرفتن شیئی که در نزدیکی آنان قرار دارد بیشتر از گرفتن شیئی که از آنها دور است، تلاش می کنند. کودکان نه فقط درک عمقی پیدا می کنند بلکه توانایی تصویر کردن عمق و فاصله در نقاشی های خود را نیز به دست می آورند. کودکان پیش دبستانی با قرار دادن اشیاء در کنار هم، جلوتر یا عقب تر بودن را بازنمایی می کنند. وقتی بزرگتر می شوند، با رسم خطوط مورب این کار را می کنند و کودکان بزرگتر از آنها، بیشتر از آرایشهای عمومی استفاده می کنند که در آن اشیایی که در راس تصویر قرار دارند کوچکترند و دورتر به نظر می رسند.

۳-۲. درک چهره انسان

شیرخواران ترجیح می دهند به چهره ی انسان نگاه کنند تا به اشیای فاقد واکنش. این رجحان حتی در شیرخواران پنج روزه نیز دیده می شود. در یک ماهگی، شیرخواران می توانند چهره ی مادر خود را از چهره ی غریبه ها تمیز دهند تحت شرایطی خاص، شیرخواران قادرند چهره ی مادرشان را مدت کوتاهی پس از تولد بازشناسی کنند. در سه ماهگی، آنها می توانند چهره ی مادر خود را در عکس ها تشخیص دهند و چهره ی غریبه ها را بازشناسایی کرده و از هم متمایز سازند. در ۷ ماهگی، می توانند بین بیان چهره ای ترس و شادی افتراق قائل شوند. تردیدی نیست که در ۷ ماهگی توانایی های درکی آنان به مرحله ی کاملاً پیشرفته می رسد.

۴. نقش محیط

جان دیوی

جان دیوی (۱۹۵۲-۱۸۵۹) روان شناس-فیلسوف-متخصص آموزش و پرورش، اهل آمریکا بود که مورد تایید جهانیان قرار گرفت. در زمان دیوی، روان شناسی رفته رفته به کاری آزمایشگاهی تبدیل می شد که هدف آن کسب دانش تجربی بود. دیوی درباره ی محدودیت های دانش به دست آمده در این گونه آزمایشگاهها هشدار داد و خود، مدرسه ی ابتدایی کوچکی را در دانشگاه کلرادو تاسیس کرد او مدرسه ی خود را ((مدرسه ی آزمایشگاهی)) نامید و آن را به آزمایشگری علمی در زمینه ی آموزش و پرورش اختصاص داد. دیوی اعتقاد داشت که با کنترل کردن محیط مدرسه می تواند تکامل طبیعی کودکان را تقویت کند. این مدرسه، تجربه ای بود در زمینه ی امکانات بالقوه رشد انسان در محیط های طراحی شده با تغییر دادن محیط اجتماعی مدرسه می شد. رشد کودک را به سوی فرجام های مطلوب هدایت کرد. کلاس درس بافتی را به وجود می آورد که در آن ایده آل های اجتماعی دیوی به منزله هنجارهای مطلوب رشد برای کودکی خاص پیاده می شد.

دیوی عقیده داشت که آموزش و پرورش باید با طبیعت همخوان باشد و روش های آن به شکوفای شدن سرشت جسمی، روانی و اخلاقی کودک کمک کند. اهداف بلافصل کلی جزئی آموزشی باید توسط علایق و ظرفیت های کودک تعیین شوند، نه آنکه به شکل سرانجامی بی چون و چرا توسط بزرگسالان تحمیل گردند. دیوی اهمیت بسیار زیادی برای یادگیری از طریق تجربه و فعالیت های خود راهبری قائل شد. این مدرسه، آزمایشگاه زندگی بود و صرفاً نوعی آمادگی برای آن مدرسه. مدرسه دیوی شرایط سنخی زندگی

اجتماعی را در خود باز آفرینی می کند. و به سهم خود، به اجتماعی کوچک تبدیل می شود تجربه ی مستقیم به کودک کمک می کند تا ویژگی های فکری و اخلاقی خود را در جهت ایجاد جامعه ای بهتر هدایت کند.» (رایس، ۱۳۸۸، ۳۵) □□

«ارث و محیط هر دو تاثیر می گذارند. در واقع هم ارث (سرشت) تاثیر مهمی دارد و هم محیط (تربیت) بنابراین هم سرشت و هم تربیت عنا صر لازم برای رشد هستند به عبارت دیگر رشد برابر است با وراثت ضریدر محیط (مدل تعاملی). رشد برابر است با ارث به اضافه محیط (مدل تجملی) سرشت عوامل زیست شناختی و ژنتیکی موثر بر رشد است، تربیت تاثیر محیط و تجربه بر رشد است.

جان لاک

او به پدر محیط گرایی معروف است در قرن ۱۷ کودک را به صورت لوح سفید معرفی کرد. او اعتقاد داشت که کودکان ذاتا شرور نیستند و شخصیت آنها بر اساس تجربه شکل می گیرد. بنابراین فلسفه ی وی باعث شد خشونت نسبت به کودکان به مهربانی و ترحم تبدیل شود. نظریه جان لاک پیش درآمدی برای دیدگاه مهم قرن ۲۰ یعنی رفتارگرایی بود چون والدین را به صورت مربی هایی منطقی توصیف می کرد که می توانند فرزند خود را به هر صورتی که دوست داشته باشند، از طریق آموزش سنجیده، الگوی کارآمد و دادن پاداش شکل دهند لاک رشد را به صورت پیوسته در نظر می گرفت و مدافع محیط (تربیت) بود وی کودک را در روند رشد منفعل می دانست.

- از دید نظریه ی رفتارشناسی (بافتاری - بوم شناختی) کودک از نظر زیست شناختی برای تعامل با محیط تجهیز شده است. از دید نظریه ی درون سازی عملیاتی (پیازه ای) کودک در تعامل با محیط ساخت های تحول خود را بنا می کند.

- از دید نظریه ی بافتاری (فرهنگی - اجتماعی) تحول پیوسته و بدون مرحله است و دربرگیرنده تبادلهای بین فرد و محیط است. پیازه علاقمند به چگونگی استدلال و تفکر کودکان بود وی علاقمند بود که بداند کودکان چگونه می دانند و به این نتیجه رسید که کیفیت ذهنی کودکان با بزرگسالان متفاوت است. از نظر برونر کودک در هر مرحله از رشد محیط پیرامون خود را به صورت خاصی می بیند و جهان را به گونه ای خاص تفسیر می کند. به نظر برونر رشد ذهنی از سه نظام پی در پی شناختی می گذرد که او آن را به یک رشته گام های پیایی تشبیه می کند.

- از دید نظریه رفتارگرایی و یادگیری نقش محیط مهمتر از نقش وراثت است.

- از دید نظریه ی درون سازی عملیاتی (پیازه ای) تحول بر اساس تعامل بین طبیعت فرد و محیط تحقق می پذیرد. یعنی عوامل مربوط به نمو یافتگی حدود و سرعت تحول را مشخص می کند اما برای شکل گیری ساخت های شناختی تجربه کردن ضروری است.

- از دید نظریه نمو یافتگی یانشو و نمای عصبی - اندام : فعالیت های کودک به تبعیت از قوانین نمو عصبی در برخورد با محیط به تدریج تحقق می یابد و تابع نمو درونی است.

- از دید نظریه رفتارگرایی و یادگیری کودک در تحلیل رفتار فعال نیست ولی به صورتی فعال محیط را به کار می گیرد.

- از دید نظریه بافتاری (فرهنگی - اجتماعی) : کودک در تعیین استقرار نوع محیط، چگونگی تغییر آن و زیر تاثیر قرار گرفتن رفتار توسط آن نقش اساسی دارد و تاثیر کودک و محیط دو سوگرایانه است.

هر کدام از این گام ها قابلیت های معینی دارد و رشد هر کدام از این قابلیت ها زمینه ساز رسیدن به گام بالاتر است ولی از نظر وی محیط در سرعت بخشیدن یا کند کردن این گامها بیشترین سهم را دارد.» (تنگستانی، ایزدی، ۱۳۹۰، ۶۱) □□

۵. تصویر ذهنی کودک از محیط

«محیط کودک فوق العاده متنوع، غنی و مملو از ابهامات و مجهولات است و بر این اساس اطلاعات موجود در محیط نامحدود می باشد. لیکن از طرف دیگر، کودک با محدودیت زمان برای تصمیم گیری و همین طور محدودیت ظرفیت برای ذخیره کردن اطلاعات مواجه است کودک در هر زمان و هر فضا تنها بخشی از اطلاعات محیط خود را در ذهن ثبت می کند، لیکن همین اطلاعات محدود تصویر کامل و جامعی هر چند نادرست از محیط اطراف به دست می دهد در هر تجربه کودک عمدتا به تجارب قبلی اطلاعات جدید اطلاعات ذخیره شده قبلی را فراخوانده و مشترکا تصویر ذهنی مورد نظر را به وجود می آورند. شناخت محیط مستلزم چیزی بیشتر از عناصر و فضاهاست آگاهی از چگونگی پیوند و ارتباط بین آنها نیز ضروری است. بنابراین ایجاد آگاهی از محیط نه تنها به تصاویر ذهنی

نیاز است بلکه این تصاویر باید با یکدیگر در ارتباط باشند. مجموعه ای از چنین تصاویر مرتبط با هم یک مدل ذهنی یا نقشه شناختی از محیط را به وجود می آورد نقشه شناختی پیوندی بین فرایند فکر کودک و محیط کالبدی برقرار می سازد ساختاری است که اطلاعات شخصی کودک از محیط را سازمان بندی و نگهداری می کند.

هیچ انسانی نمی تواند خاطره ای را از نخستین سالهای زندگی خود به یاد آورد هرچند این دور سرشار از تجارب بسیار غنی است. این پدیده ناشی از تفاوت فاحش بین نحوه سازماندهی خاطرات در بزرگسالان است. بزرگسالان خاطرات خود را برحسب مقوله ها و طرح واره ها سازمان می دهند در حالی که نتوانند بین رویدادها پیوند برقرار کنند نمی توانند تجربه های آغازین خود را برای مدت طولانی به خاطر بسپارند. انتقال از حافظه دوران کودکی به حافظه دوران بزرگسالی بر اساس رشد زیست شناختی و رشد شناختی (هم زبان و هم شیوه تفکری که در مدرسه به کودک آموزش داده می شود) صورت می گیرد. (شیبانی، ۱۳۸۹، ۱۳۶).

۶. تاثیر محیط در خاطرات بزرگسالان از کودکی

خاطرات بزرگسالان، بازتابی از تمایلات و فعالیت های واقعی آن ها در دوران کودکی است. در این خاطرات چمن زار بیشترین سهم را دارد. چمن فضای بازی ایجاد می کند برای بسیاری از افراد حیاط خانه اولین فضای بازی بوده است. کودکان حفاری در خاک را دوست دارند. زمین نخستین محل بازی کودک است. و کودک نسبت به زمین و پوشش های آن بسیار حساس است. کودکان پستی و بلندی ها را دوست دارند تپه ها را دوست دارند. کودکان درختان را دوست دارند. زیرا سایه ایجاد می کند و می توانند از آن بالا بروند. درخت جایی است که در آن کودک دنیای خیالی خود رامی سازد. خاطره ای که در ادامه آمده این مطلب را به خوبی بیان می کند «در حیاط خانه ما درگوشه حیاط انبار و درختی وجود داشت. برگ های درخت قسمتی از پشت بام انبار را پوشانده بود. من همیشه آرزوی داشتن خانه درختی را داشتم. بنابراین به پشت بام انبار می رفتم. اسباب بازی هایم را در پشت بام می گذاشتم و پشت بام انبار و شاخه های درخت واقع در آن را خانه درختی خود تصور می کردم»

کودک دنیای خیالی خود را از طریق محیط تجربه می کند کودکان محیط پیرامون خود را تغییر می دهند تا وضعیت خودشان را بهبود دهند.

تماس با حیوانات و گیاهان باعث یادگیری عمیق تر کودکان می شود. موجب تشویق بازی های تخیلی و تحریک حسی می شود «من در حیاط خانه مان جوجه نگهداری می کردم. همیشه نمایش های حیوانات در سیرک رادوست داشتم در تخیلات خود حیاط خانه را سیرک تصور میکردم و به جوجه ام آموزش می دادم از روی طناب رد شود»

کودکان محیط را بر اساس کاربری های مختلفی که به آن می دهند تغییر می دهند. بچه ها به جزییات محیط و ویژگی های تصادفی محیط توجه می کنند. منبع الهام کودک محیطی است که در آن زندگی می کند. منبع بزرگی برای تحریک افکار اوست.

۷. تأثیر محیط در نقاشی کودکان



شکل ۲- نقاشی کودکان از محیط، منبع: علیرضا و زهرا زمانی

کودکان طبیعت را دوست دارند و در طبیعت ماجراجویی می کنند . کودکان حیاط دلخواه خانه خود را باچمن زار و گل و گیاه ترسیم می کنند . کودکان به فضای بازی نیاز دارند . در صورتی که به علت بلند مرتبه سازی در آپارتمان های کوچک وبدون فضای سبز زندگی می کنند.

نتیجه گیری:

بسیاری از محیط‌هایی که برای کودکان ساخته می‌شود با نیازهای کودکان هماهنگ نیست و طبق سلیقه‌ی بزرگسالان انجام می‌گیرد و باعث بروز رفتارهای ناهنجار در کودک می‌شود. بایستی کودک به طور همه‌جانبه‌شناسایی شود اکثر ویژگی‌های شخصیتی انسان در سالهای اولیه کودکی شکل می‌گیرد و چه به لحاظ واکنش درونی و چه به لحاظ رفتار بیرونی. طراحی محیط کودک باید طبق ویژگی‌ها و نیازهای او باشد.

در طراحی محیط برای کودکان باید به نیازها و توقعات کودکان توجه شود و همچنین ادراک و تصویر ذهنی کودک از محیط باید توجه کرد. ادراک و حالات عاطفی کودک حداقل در گرو تجربیات زیستی و انسانی او می‌باشد. با مدرن شدن زندگی در ایران مهاجرت به سوی شهرهای بزرگ صنعتی افزایش یافته و کمبود زمین و نیاز به اماکن مسکونی باعث تخریب خانه‌ها و تبدیل آنها به ساختمانهای بلند مرتبه شده است. کودکان به فضای باز شهری نیاز دارند ولی در ایران به نیازهای آنها توجهی نمی‌شود کودکان به بازی کردن در طبیعت نیاز دارند. بهترین فضا برای آموزش کودکان فضایی غیر رسمی، طبیعت‌گرا و بی‌کران است که به کودکان امکان ماجراجویی و جستجو را می‌دهد. کودکان از محیط به عنوان ابزاری برای رشد خود مورد استفاده قرار می‌دهند. بنابراین بایستی به کودکان توجه شود و کودکان دیده شوند تا بتوانند آینده‌ی درخشانی را برای جامعه خود بیافرینند.

منابع:

- ۱- رایس، فیلیپ، ۱۹۲۲، رشد انسان: روان‌شناسی از تولد تا مرگ، ترجمه مهشید فروغان، تهران، ۱۳۸۸
- ۲- تنگستانی، یلدا، ایزدی، لیلا، ۱۳۹۰، روان‌شناسی رشد، تهران
- ۳- سعید رضوانی، نوید، دانش‌پور، حمید رضا، تابستان ۱۳۸۹، بررسی نقش و جایگاه کودکان در بهسازی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی، آبادی، فصل‌نامه تخصصی معماری و شهرسازی، سال بیستم، شماره ۶۷
- ۴- هنرور، سرور، زمستان ۱۳۸۹، کودک در شهر دیده نمی‌شود، جستارهای شهرسازی، فصلنامه تحلیلی، پژوهشی معماری و شهرسازی سال نهم، شماره ۳۴
- ۵- شیبانی، مهدی، زمستان ۱۳۸۹، ردپای کودک در منظر شهر، جستارهای شهرسازی، فصلنامه تحلیلی، پژوهشی معماری و شهرسازی سال نهم، شماره ۳۴
- ۶- لوکاشوک، آلوین، زمستان ۱۳۸۹، شهر در خاطرات دوران کودکی، ترجمه نگار هاشمی، جستارهای شهرسازی، فصلنامه تحلیلی، پژوهشی معماری و شهرسازی سال نهم، شماره ۳۴
- ۷- قائمی، پرینا، زمستان ۱۳۸۹، فضاهای محرک خلاقیت کودکان: اهمیت طراحی محیط برای بازی و کاوش در طبیعت، جستارهای شهرسازی، فصلنامه تحلیلی، پژوهشی معماری و شهرسازی سال نهم، شماره ۳۴

-سعید رضوانی، نوید، دانش‌پور، حمید رضا، بررسی نقش و جایگاه کودکان در بهسازی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی، تابستان ۱۳۸۹، آبادی، فصل‌نامه تخصصی معماری و شهرسازی، سال بیستم، شماره ۶۷، □
-رایس، فیلیپ، ۱۹۲۲، رشد انسان: روان‌شناسی از تولد تا مرگ، ۱۳۸۸، ترجمه مهشید فروغان، تهران، □□

تنگستانی، یلدا، ایزدی، لیلا، ۱۳۹۰، روان‌شناسی رشد، تهران، □□□

-شیبانی، مهدی، ردپای کودک در منظر شهر، زمستان ۱۳۸۹، جستارهای شهرسازی، فصلنامه تحلیلی، پژوهشی معماری و شهرسازی سال نهم، شماره ۳۴ □□